

## بادداشت

### اعتياد، تنها اعتياد!

#### حميدخدادوست مدير انجبور هيمان رهاد بابدار

مردماز فعاليتهاىغيردستورى حمايت مىكنند

**شهرام امیر شریفی** فعال حقوق حیوانات

سد گفت،مردم احساس مسئولیت اجتماعی

تقريبا ۵۰سالهباكشورهاى توس

لغت مردم حساس مسئولیت اجتماعی بیشتری نسبت، به وردهای گذشته می کنند یکی از دلایل پررنگ شــدن این حرکتهای جمعی، افزایش و توسعه ســرعت انتقال اطلاعات است، مادر حوزههای فعالیتهای اجتماعی خاص، فاصلهای

احوزه اعتياده؛ اين پاســخ من به جملهاي آنجاســت که وقتي بگوييد مشغول فعاليت دربــاره اعتياد هســـتم، مى گويند:«ولشــان کن، بــُه دردنمیخورند.» باور کُنيد و آشنا همیشــه به مافشــار مُیآورند که این کار را رها کنیم و دور آن خط بکشــیم. مسأله اعتیاد گســترده اسـت و حمایت آنچنانی از آن صورت نمی گیسرد. اگر دقیقا وارد ماجرا شوید می بینید که ما در زمینه پیشگیری هیچ حرفی برای گفتن نداریم. ما زنها و دخترهایی که آموزش خوب و درست دیده باشند نداریم؛ دخترهایی که در آینده بتوانند بافعالیت خود جلوی اعتیاد خانواده را بگیرند. متاسفانه دیگر برای آنها کانون خانواده مهم نیست. «اعتیاد» حوزهای است که مشکلات بسیاری در آن وجود دارد. اگر به زندان سری بزنيد،متوجه مىشويد كه بسيارى از زندانىھا بهخاطر اعتیاد، قاچاق یا اعتیاد منجر به دز دی و کتک کاری وارد زندان شدهاند. اگر بخواهم نسبتی در این زمینه قایل شوم،از هر ۱۰۰ نفر، ۷۵ نفر با این مسأله به زندان افتادهاند.واقعیت آن است که خیلی ها اصلایه فر دمصر ف کننده كارىندارندوبه أوكمكي نمى كنند بايد توجه داشت، اعتیاد است که آدمها را زمینگیر و نقش دشــمن راايفامي كندوبايدبايك عزم داوطلبانه جمعي به مقابله با آن پر داخت.

بادداشت

c.....

. ادامه در صفحه ۱۰

است که می پرسند: ۱۰ در حال حاضبر کدام مشكل از مشكلات عديدهاي كهجامعه مابا آن دست به گریبان است، بیشتر به عزم و فعالیت داوطلبانه مردم نياز دارد؟؛ براي اين پاسخ هم دلايلى دارم كه مىتواند روشن كننده آن باشد. اگر بررسی کنید به این نتیجه میرسید که بسیاری از معضلات اجتماعی ما مثل سرقت، طلاق، فساد و بسیاری از موارد دیگر به همین حوزه- یعنی اعتیاد- مربوط می شود. مورد دیگر آن که ماهمسایه کشوری مثل افغانستان هستیم که آمار بالایی از ترانزیت مواد مخدر را به خود اختصاص داده است. مسأله دیگر هم این است که دیدگاه مردم نسبت به اعتباد متفــاوت اســت و آن را كثيــف مے دانند و به فرد درگیر اعتیاد مجـرم می گویند. واقعیت آن است که اعتیاد دار در شد می کند و کسی به آن کاری نـدارد. اگر ما بخواهیـم درمورد مساله ای مثل بچه های بی سر پر ست صحبت كنيم، خيلي از مردم فورا تحت تأثير قرار می گیرند و مقدار پولی که در جیب خود دارند را برای حل این مساله اختصاص میدهند. اما در مقوله اعتياد اصلابه اين شــكل نيست و فرد مصرف کننده، مجرم دانســته می شود وكسيى بيه او كميك نمى كنيد. جالب هم

ی واژہ ثقیلی است؛ بەنظر می

نیام شیماری از حرکتھایجمعی را بایید

مسئولیتهای احتماعی بگذاریم. در حوز مقابی

كمه من بيشمتر بما أنهما سرو كار دارم مثل

محیطزیست و حقوق حیوانات، در سال های

اخیر بهویژه در یکسال اخیر شاهد حرکتهای مردمی تاثیر گذاری بودهایم. به بیان بهتر می توان

#### تاعزم و روحیه جمعی مردم را ش آنچنان عدالتی در اجتماع حاکم شود که خیابان، پارک، فرودگاه و ساحل دریا، همگی به یک اندازه، متعلق به همه باشــد و همه مردم بتوانند از همه امكانات و موقعیت ها به یک نسبت استفاده کنند. نباید اقلیتی از افراد، خود را صاحب و مالک امکانات و موقعیتها بدانند. اگر غیر از این باشد، اکثریتی که بهطور یکسان با دیگران، خود را مالک امکانات نمى دانند، احساس مسئولىت و تكليفي نسبت به حفظ، نگهداری، کمکو همیاری به چیزهایی که مالکشان نیستند، نخواهندداشت و اساساانگیزهای بهایجاداین همدلی در آنها پیش نخواهد آمد. به بیان دیگر، اگر بخواهم همه سخن را در یک جمله

ىگى دار

آن انتظار داشت. اما بعداز مدتی، شعار «همه

باهم» رنگ باخت و دوباره شـُعار «همــه با مَنّ یا به تعبیر بهتر، «همه برای من» جان گرفت بعد از

آن ما شاهد اختلاف ها وجدايي هايي بوديم. شاهد

بى تفاوتى ھاو بى مسئولىتى ھايى بوديم. اما بەنظر مىرىسىدەر گ آقاى پاشايى رنسانسى باشدىراى

همدلی و همیاری دوباره مردم؛ واحیای دوباره روح جمعی نگری میان آنها.

می تیوان به این نکته هم اشیاره کیرد که همه

کسانی که برای آقای پاشایی جمع شدند، صرفا به

علت شناخت و علاقه به ایشان نبود. تلقی من این

است که برای بسیاری از افراد نوعی اظهار وجود،

نکته بسیار مهمی که مایلم به آن اشاره کنم، این است که به جرأت می توان گفت مادر تمام زمینه ها

می توانیـــم با عزم جمعی و روحیـــه داوطلبانه، هر مشــکل و معضلی را از میان برداریم. حتی نیازی

ليست كهمن اين زمينه هــارا نام ببــرم. اما بايد شرایطی از سوی دولتمردان در جامعه ایجاد شود

خلاصه کنم، آن جمله، این خواهد بود: «باید یک مالکیتجمعی ایجادشود تا یک عزم جمعی شکل

ـاهدباشيم.بايُد

اظهارنيازبه جمعى بودن وبيان همدلى بود

# مالكيتجمعىبراىعزمجمعي

میخواهد در کنار یکدیگر باشــند. متوجه شدم أنهامىخواهند كهديگران كنار روندواساساعقه می توانند را عدر بعدید میدید که مردمه دلشیان برای یک عزم جمعی و همدلی برای ابراز احساسات و افکارشان تنگ شده است و فکر می کنم که اگر احساس خطری در این باب با تکنند، باز هم شاهد چنین رفتار هایی از سوی آنها ایهای خواهند نه دیدران شار رود واست عقب بمانند چرا که می خواهند برنده شسوند این نگاه منابق[ان] نگاه اخلاقی که به برای ایجاد جامعهای اخلاقی، توصیه به سبقت گرفتن در کار خیر می کند آن جا کسی نمی خواهد دیگری را حذف کند خواهيمبود.

در هر حــال، اگر ما بتوانیم ایــن روحیه جم

یشان شـــ

, احازه اظهار ن معتقدم که اگر به هر جمعے رافرهنگ کنیم، شــاهد اتفاق های خوبی در این وجود داده شود، روح جُمعی شکل خواهد گرفت. اتفاقی که اگر به مرحله پختگی و رسیدگی کامل برسد، می توانم ادعا کنم رسیدن به هر خواسته و کشیہ، خواہیہ بود؛ مثل اتفاقی کہ بعیدا: فوت آقای پاشــایی رخ داد. مردم برای اهدای پلاسمای آرزویی ممکن خواهد بود و هر معضل و مشکلی را خون، به بیمارستان شــریعتی مراجعه کردند؛ تا میتوان با این روش، مرتفع کرد. بهترین مثالی که میتوان در این یاره گفت، همدلی و همیاری مردم جایی که این بیمارستان اعلام بی نیازی کرد. من پیش از فوت آقای پاشایی، ایشان را نمی شناختم. در زمان انقلاب بود. در آن زمان، شعار «همه با من» تبدیل به شعار «همه با هم» شد و این اتفاق بزرگی نه اسم ایشان به گوشــم خورده بود و نه ترانهای از يده بودم. اما وقتى شور واشتياق مردم بود. تغیبر نگے ش مردم یک حامعے، بن گئر بن که بدون هیچ تبلیغاتی برایش جمّع شده بودند رادیدم،احساس کردم که مردم ما،امروز دلشان اتفاقى است كه مىتوان بهترين چيزها را بعد از

• اگر مابتوانیم این روحیه جمعی را فرهنگ کنیم، شـــاهداتفاق های خوبی در این کشــور خواهیم بود،مثل اتفاقی که بعداز فوت آقای باشایی رخداد مردم برای اهدای پلاسمای خون،به بیمار ستان شریعتی مراجعه کردنده تاجایی که این بیمار ستان اعلام بی نیازی کرد. من پیش از فوت آقای پاشایی، ایشان را نمی شناختم، نه اسم ایشان به گوشم خورده بودو نه ترانهای از ایشان شنیده بودم اماوقتی شور واشتیاق مردم که بدون هیچ تبلیغاتی بر ایش جمع شده بودندرا دیدم، احساس کردم که مردم ما، امروز دلشان می خواهد در کنار یکدیگر باشند.

•به جرأت مي توان گفت ما در تمام زمينه ها مي توانيم با عزم جمعي و روحيه داوطلبانه، هر ست كەمن اين زم مشکل و معضلی را از میان بر داریم. حتی نیازی نیست که من این زمینه ها را نام ببرم. اما شرایطی از سوی دولتمردان در جامعه ایجاد شود تا عزم و روحیه جمعی مر دم را شاهد بان ها، انام یہ م. اما یا ید بايد أنچنان عدالتی در اجتماع حاکم شود که خيابان، پار ک، فرودگاه وساحل دريا، همگی به يک اندازه، متعلق به همه باشد و همه مردم بتواننداز همه امکانات و موقعيت هابه يک نسبت

# عزمملي براي ريشه كني اعتياد

ســـــتقيم با شــرايط بوده و برخی دیگر بهطور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن جامعەار تباط دارد. در مورد عوامل مشتر ک بايد گفت كەمھم ترين عامل بەنفوذقدر تھاى غربى بازمی گردد و این کشورها برای تضعیف جوامع مستقل بهطور مستقیم در قاچاق موادمخدر وحتى توليد موادمخدر جديد و صنعتى نقش وحتى توليـدموادمخدر جديد و صنعتى نقش ايفا مىكننــداز سـوى ديگر مسـائلى چون مشكلاتاقتصادى جوامع،ضعفهاى فرهنگى،

در سینین نوجوانی و جوانی هسیتند، رم نهادهای مسئول ازجمله قوه قضائیه و نیروی انتظامی تــلاش خوبی برای مبــارزه با توزیع و

ناهنجاریهای اجتماعی در افزایش گرایش به مصرفموادمخدرموثراست. متاسفانه این بلای خانمانسوز کشور ما راهم رنج میدهد و خانوادههایی که دارای فرزندانی حوزه دغدغهای جدی دارند. البته دستگاهها و

مصرف موادمخدر دارنـــد و از نظر قانونی نیز ما خلاًیی نداریـــم. بنابراین اگــر میخواهیم این مضل را ریشهکن کرده یا به حداقل برسانیم. کمبود امکانــات در حوزه آموزشــی، تربیتی و نیاز بــه فرهنگسـازی داریم. در ایــن حوزه یار با مرتبط ری داوطلبانه و کارها ریس مرز مشارکتهای داوطلبانه و کار بتوانیم حرکتی اثرگذاری بسیاری داشته و اگر بتوانیم حرکتی مصرف مواد مخدر به راه بیندازیم، تاثیر گذاری فراوانی خواهد داشت.



افتاد.دراین انقلاب مردم ژاپن روح همکاری جمعی را ایجاد کردند و به قــدری در این زمینه تبلیغات ر این کرند که اگر کسی کار انفرادی می کرد و جمعی کردند که اگر کسی کار انفرادی می کرد و حتی موفق می شد، نمی توانست احساس افتخار کند. اها کسانی که کار جمعی می کردند، فی نفسه بهخاطراین فعالیت جمعی شان، احساس رضایت وافتخـار می کردند. این روح همـکاری و جمعی ودن، در فر هنگ ژاین جا افتاد و در حقیقت، ژاین رابه مرحله وجایگاهی که امروز شاهد آن ه سیاند. در ایران اما، از ایتدا تشییو بو های انفرادی ر جایگزین تشویق های جمعی نگری شند این پرسش که اچه کسی شناگرداول کلاس است؟۱ بيناينسخناست چنين فتارهاوتشويقهايي باعث ایجاد یک جهان پینی در میان افراد می شود که از همان کودکی، تمام فکر شـــان این است که امن!بايدبهترين باشم، تاجايي كه حتى افراددر سنينبزر گسالي نيز سعى مي كنندچنين نگرشي رادر خود حفظ کنند. این جهان بینی خودخواهانه و منفردانه تا جایی گسترش پیدامی کند که افراد حتی سعی میکنند در کار خیر، بهترین باشند. ذهنیت آنها را چنین گزارههایی تشکیل میدهد که امن می خواهم/ باید ایثار گر ترین باشم؛ امن می خواهم/ باید بخشــنده ترین و با گذشت ترین باشم؛ و تفکر اتی از این قبیل که اتفاقا غیر اخلاقی هم هست. این نگاه، اصلا آن چیزی نیست که به ما توصیه می شــود در کار خیر از یکدیگر سبقت بگیریـد.در این نـگاه، افـرادمیخواهنـد تنها، خودشان باشند،نه هیچ کس دیگر. آنهامیخواهند خودشـان الول، باشـند و دیگران الول، نباشند.



یکے از مهم تریــن بلایایے که ایــن روزها گریبانگیر اکثر جوامع به ویژه جوانان شده است، معضل و پدیده منفی و خانمان سوز اعتیاد است. گسترشاعتیاددر هر جامعهای ریشههاوعواملی دارد که برخی از آنها برای تمام کشورها مشتر ک